

گفت‌وگوی روزنامه صبا با پدرام پورامیری کارگردان فیلم سینمایی «صددام»

باید برای بازگرداندن اعتماد مخاطب تلاش کنیم

با توجه به تنوع کاری شما در چند سال اخیر؛ هوبت هنری خود را بیشتر وابسته به فیلمنامه‌نویسی می‌دانید یا کارگردانی؟

علاقه اصلی‌ام همواره به کارگردانی بوده، اما هم‌زمان کار فیلمنامه‌نویسی را نیز دنبال کرده‌ام. در مورد «شنای پروانه»، همکاری در فیلمنامه برای من تجربه‌ای ارزشمندی بود. البته زمان زیادی از آن پروژه گذشته و جزئیاتش کمرنگ شده‌اند، اما همچنان روند شکل‌گیری آن اثر را به خاطر دارم و معتقدم اثری موفق بود.

به عنوان یک فیلم‌ساز، چه چشم‌اندازی برای سینمای خود متصورید؟ آیا بیشتر به ساختارهای ژانری کلاسیک پایبند هستید یا ترجیح می‌دهید ساختارها را تغییر دهید و تجربه‌گرایی داشته باشید؟

به باور من، سینما امکانات وسیعی دارد و شخصاً دوست ندارم خودم را به ساختار یا ژانری خاص محدود کنم. در واقع، ترجیح می‌دهم از ظرفیت‌های مختلف سینما استفاده کنم؛ از روایت‌های متفاوت گرفته تا فرم‌های گوناگون. این مسئله برایم جذاب است که در هر پروژه، تجربه‌ای جدید را رقم بزنم. گاهی کمدی، گاهی اجتماعی، گاهی جنایی یا حتی ترکیبی این‌ها. فکر می‌کنم مشکل عمده سینمای ما، گرفتار شدن در یک‌سری کلیشه‌هاست؛ از «سفر قهرمان» گرفته تا فرم‌های تکراری.

دقیقاً در بسیاری از آثار امروز، فقط الگوهای تکراری را شاهد هستیم، بدون آن که سبک ویژه‌ای از مولف در آن پیدا باشد و یا شخصیت‌پردازی خاصی را در ساختاری جدید ارائه دهند.

بله، و این در حالی است که مخاطب وقتی به سینما می‌رود، انتظار دارد با جهانی متفاوت مواجه شود. نه اینکه تن به تکرار تجربه‌های پیشین دهد. مخاطب می‌خواهد تجربه‌ای فراتر برای او رقم بزنیم. به نظرم، انواع مختلفی از فیلم در سبک‌ها و ژانرهای مختلف باید وجود داشته باشند تا هر طیفی از مخاطب بتواند در سینما علایق خود را در سینما دنبال کند.

یکی از مسائل قابل توجه درباره شما این است که از همان شروع مسیر حرفه‌ای‌تان، ژانرهای مختلف را تجربه کرده‌اید. این تنوع، هر چند خلاقانه است، اما ممکن است زمان فیلم‌سازی را افزایش دهد، منظورم زمانی است که لازم دارید تا به انسجام کلی در سبک فیلم‌سازی خود برسید؟

در مقابل این دغدغه، مسئله تکرار و فرسایش خلاقیت هم وجود دارد. بسیاری از کارگردان‌ها پس از چند اثر، به تکرار خود دچار می‌شوند. من فکر می‌کنم باید آزاد بود تا هر داستانی را در قالب خودش روایت کرد. برای من همیشه اولویت با داستان است، ماهیت هر داستان مشخص می‌کند که بهترین ژانر و سبک برای روایت آن چیست.

در مورد صددام، برخی تصور می‌کنند انتخاب ژانر کمدی صرفاً به خاطر تضمین فروش در گیشه بوده است. آیا این تصور صحیح است؟ این پرسش را در مصاحبه‌های دیگری هم شنیده‌ام. حقیقت این است که هر داستانی، قالب خاص خود را می‌طلبد. وقتی ایده صدام شکل گرفت، به این نتیجه رسیدیم که روایت آن در قالب کمدی، بهترین اثرگذاری را خواهد داشت. البته کمدی هم الزاماً به معنای سبکی سطحی یا صرفاً برای گیشه نیست. بسیاری از کمدی‌ها در جهان، روایت‌هایی عمیق و تفکر

در تاریخ سینما، بارها شاهد آن بوده‌ایم که فیلم‌سازان با بهره‌گیری از زبان طنز، به سراغ شخصیت‌های دیکتاتور و ساختارهای استبدادی رفته‌اند؛ آن هم در دوره‌هایی که جهان هنوز درگیر تبعات سنگین جنگ، سانسور، یا ارباب بوده است. چنین فیلم‌هایی گاهی خطرپذیر بوده‌اند، گاهی پیشرو و گاه تنها تلاش‌هایی برای تخلیه روانی مخاطب از طریق خنده‌ای گزنده. یکی از مهم‌ترین آثار سینمایی که با چهره‌های منفور تاریخ سیاسی جهان از دریچه طنز برخورد کرده‌اند؛ «دیکتاتور بزرگ» به کارگردانی چارلی چاپلین است. این اثر با الهام از شخصیت آدولف هیتلر، شخصیت یک دیکتاتور فاشیست را به سخره می‌گیرد. همچنین فیلم سینمایی «دیکتاتور»، به کارگردانی لری چارلز، که به شدت از شخصیت‌های واقعی نظیر بن لادن، معمر قذافی و... الهام گرفته است. استفاده از طنز در نقد چهره‌های سیاسی استبدادی، همواره یکی از ابزارهای موثر و در عین حال پرسرک در سینما بوده است. فیلم‌سازان این آثار نه تنها شجاعت عبور از خطوط قرمز را داشته‌اند، بلکه موفق شده‌اند نگاه انتقادی خود را با زبان طنز به مخاطب منتقل کنند. شاید خنده، در این آثار، تنها وسیله‌ای برای نجات از وحشت تاریخ باشد؛ خنده‌ای که نه سبک، که عمیق و اندیشه‌برانگیز است.

فیلم سینمایی و ایرانی «صددام» با نویسنده‌گی مشترک رضا فخار، پدرام پورامیری، کارگردانی پدرام پورامیری و تهیه‌کنندگی مجتبی رشوند است. این فیلم بیش از مطرح کردن مباحث تند سیاسی بیشتر برای تخلیه روانی مخاطب از طریق خنده است. «صددام» در بخش سودای سیم‌رغ چهل و سومین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد و توانست در سه رشته؛ نقش اول مرد، بهترین چهره‌پردازی و بهترین طراحی صحنه نامزد شود. رضا عطاران، پربناز ایزدیار، آزاده صمدی، عباس جمشیدی فر، امیراحمد قز وینی و سیاوش چراغی پور از بازیگران این فیلم هستند که هم‌اکنون در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است.

پدرام پورامیری، یکی از چهره‌های جوان و پرکار سینمای ایران است. او از همان دوران دانشجویی با همکاری حسین امیری دوماری وارد عرصه فیلم‌سازی شد. این دو نفر با ساخت فیلم کوتاه «نسبت خونی» که جوایزی از جمله بهترین فیلمنامه در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران را کسب کرد، توانستند توجه‌ها را به خود جلب کنند. پورامیری و دوماری نخستین فیلم بلند خود را با عنوان «جان‌دار» در سن ۲۳ سالگی ساختند. این فیلم به بررسی مسائل اجتماعی و خانوادگی می‌پرداخت. دومین تجربه بلند این دو کارگردان، «یادگار جنوب» بود که به موضوعاتی مانند مرگ، عشق از دست رفته و روان‌پریشی پس از فقدان پرداخت. در سال ۱۴۰۳، اما پورامیری به تنهایی فیلم «صددام» را کارگردانی کرد. این فیلم کمدی با بازی رضا عطاران، داستان بدل صدام حسین را روایت می‌کند که برای مأموریتی به تهران می‌آید. «صددام» توانست در گیشه موفق عمل کرده و فروش بالایی را تجربه کند. پورامیری همچنین در زمینه نویسندگی فعالیت داشته و در نگارش فیلم‌هایی مانند «شنای پروانه»، «ما همه با هم هستیم» و سریال «یاغی» مشارکت داشته است.

در این گفت‌وگو با کارگردان و نویسنده اثر، از شکل‌گیری ایده، دغدغه‌ها، ژانر، سینمای ایران و نسبت هنرمند با روایت‌های تاریخی پرسیده‌ایم.